

گفت‌وگوی «جوان» با جانباز علی‌اصغر حبیبی از رزمندگان و فرماندهان گردان دفاع مقدس

سایت موشکی فاو را در یک نبرد خونین فتح کردیم

در اولین اعزام به جبهه، به کدام منطقه رفتید و در چه عملیاتی شرکت کردید؟

سال ۱۳۶۰ وقتی ۱۸ ساله بودم همزمان با عملیات ثامن‌الائمه(ع) و شکست حصر آبادان برای اولین بار به جبهه اعزام شدم. سه روز در پادگان گلف اهواز، آموزش دیدیم. من تک تیرانداز بودم. وقتی وارد منطقه عملیاتی شدیم، به جاده ماهشهر – آبادان رفتیم. در آن مقطع قسمتی از این جاده به تصرف دشمن درآمده بود. قسمتی که به طرف ماهشهر- آبادان بود دست ما بود. قسمتی که طرف آبادان -خرمشهر بود در اشغال دشمن قرار داشت. ما آنجا مستقر شدیم و قرار بود شب ششم مهر ۱۳۶۰، عملیات انجام شود.

«ثامن‌الائمه(ع)» اولین عملیاتی بود که موازنه قوا را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر داد. تا قبل از این عملیات هر عملیاتی انجام می‌دادیم، چون بنی‌صدر هنوز عزل نشده بود اوج مظلومیت و محرومیت رزمندگان بود. بعد از اینکه بنی‌صدر عزل شد و فرار کرد، اتحاد و یگانگی بین ارتش و سپاه ایجاد شد. حضرت امام(ره) فرموده بودند: حصر آبادان باید شکسته شود. ضرورت جنگ ایجاد می‌کرد عملیاتی انجام دهیم که مجامع بین‌الملل متحیر شوند.

شما گفتید قرار بود ششم مهر ۶۰ عملیات انجام گیرد. اما عملیات ثامن‌الائمه(ع) در پنجم مهر شروع شد؟

در ابتدا به ما گفته بودند ششم مهر عملیات شروع می‌شود. دشمن هم منتظر بود علیه ما واکنش نشان دهد. اما یک مرتبه شب پنجم مهر سروصدايي ایجاد شد. گویا حضرت امام فرموده بودند، شب پنجم مهر باید عملیات انجام شود. یعنی یک روز عملیات جلو کشیده شده بود. وقتی حمله کردیم دشمن غافلگیر شد و در اکثر سنگرها سربازهای دشمن خواب بودند. در ساعت اول جنگ، تیرپرت به تن بود. ساعت شش یا هفت صبح به جاده ماهشهر آبادان رسیدیم.

حصر آبادان شکسته شد و دشمن تا دندان مسلح به واسطه پیشروی ما مبتلا زمین‌گیر شد و بعد فرار کرد. عده‌ای از سربازان دشمن به اسارت در آمدند و تعداد زیادی کشته و زخمی شدند. فردای یا پس فردای آن روز، گروهی از فرماندهان از جمله، تیمسار شهید فلاحي، تیمسار شهید فکوری و شهید کلاهدوز، جانشین وقت سپاه به دیدار رزمندگان آمدند و تقدیر کردند. من آن موقع از لحاظ جته‌ای خیلی کوچک بودم. یادم است به تیمسار فلاحي، رئیس وقت ستاد کل ارتش گفتم سلام را به امام برسانید و خدمت‌شان بگویید حصر آبادان شکسته شد. متأسفانه هوپامای آنها در مسیر برگشت سقوط کرد و پیام به امام نرسید.

چه عاملی باعث شد با سن کم به جبهه بروید؟

با پیروزی انقلاب اسلامی در مسائل سیاسی و اجتماعی ایران چشم‌انداز جدیدی به وجود آمد و ذهن جوانان روشن شد. عاشق و ارادتی که به امام خمینی و انقلاب اسلامی داشتیم سرباز حافظ تهدیدی علیه جمهوری اسلامی شد و تمامیت ارضی مملکت مورد تجاوز قرار گرفت به عنوان یک جوان مسلمان و انقلابی فرض دانستیم در دفاع از انقلاب اسلامی و حفظ ناموس و تمامیت ارضی به جبهه برویم.

در چه عملیاتی حضور داشتید و در کدام عملیات مجروح شدید؟

حدود ۶۳ماه در جنگ حضور داشتم. عملیات ثامن‌الائمه(ع)، فتح‌المبین، عملیات بیت‌المقدس ۲، کربلای ۴، کربلای ۵ و عملیات والفجر ۸ و خطوط پدافندی جبهه، انجام وظیفه

کردم. در عملیات والفجر ۸، جانشین گردان سیف‌الله بودم. در عملیات کربلای ۴، کربلای ۵، بیت‌المقدس ۲ و پدافندی‌هایی که در این مدت انجام می‌شد فرمانده گردان بودم. در عملیات کربلای ۴ شیمیایی شدم. در عملیات کربلای ۵ و والفجر ۸ از ناحیه دست و پا مجروح شدم. در عملیات انفجار و آتش عقبه شلیک‌ها باعث شد گوش و چشم آسیب ببیند. در عملیات بیت المقدس ۲ که در کردستان عراق صورت گرفت به عنوان فرمانده گردان بودم. از شب قبل تبیی از مشهد مقدس به دشمن حمله کرده بود. از این تیپ یک گردانش می‌مانده بود و گردان دیگرش در محاصره دشمن افتاده بود. گردان ما از همان شب قبل حمله را آغاز کرده بود و موفق شدیم منطقه عملیاتی را از دست دشمن خارج کنیم و گردان امام رضا(ع) را از محاصره دشمن نجات دهیم.

به نظر شما چه عاملی باعث می‌شد به زغم پر تری تجهیزات دشمن، نیروهای غالباً جوان و کم تجربه ما به آنها بر تری پیدا کنند؟

من یک مثالی عرض کنم. در عملیات کربلای ۵،

وقتی که زمین و زمان مورد اصابت گلوله یعنی‌ها قرار گرفت و با کمترین امکانات به دشمن حمله می‌کردیم، اعتقاد و یاسور رزمندگان بود که باعث شد بر همه تکنیک‌ها و آموزش‌های عالی دشمن پیروز شویم.

حضرت امام فرمودند: دوران دفاع مقدس قطعه‌ای از بهشت بود. و اقامه هم‌مینطور بود. اگر خواهیم ویژگی‌های رزمندگان دوران دفاع مقدس را بیان کنیم، آنها افرادی بودند که خود را نمی‌دیدند و خدا را در نظر داشتند. آنچه برای آنها ارزش داشت رضایت حضرت حق و دفاع از تمامیت ارضی بود و فلسفه وجودی افراد ایزد رزم آورانی ساخت که گردانش می‌مانده بود و گردان دیگرش در محاصره دشمن افتاده بود. گردان ما از همان شب قبل حمله را آغاز کرده بود و موفق شدیم منطقه عملیاتی را از دست دشمن خارج کنیم و گردان امام رضا(ع) را از محاصره دشمن نجات دهیم.

در میان عملیاتی که شرکت کردید، بزرگ ترین و سخت ترین عملیات کدام بود؟

سال ۶۴، فرماندهان تصمیم گرفتند عملیاتی را انجام دهند که بر خلاف جنگ‌های کلاسیک و قابل فهم دنیا بود. فرماندهان عبور از اروند را انتخاب کردند. رودخانه عطیمی که در دهانه خلیج فارس قرار دارد. جزر و مد اروند باعث می‌شود

این رودخانه در برخی مواقع بسیار خروشان و کاملاً وحشی شود. عبور از چنین رودخانه‌ای از نظر اصول کلاسیک نظامی تقریباً غیر ممکن است. حتی الان که سال‌ها از آن زمان می‌گذرد، در دانشگاه‌های نظامی دنیا روند این عملیات را بررسی می‌کنند. چراکه چگونگی عبور رزمندگان از اروند برایشان قابل فهم نیست. فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که فاتح شهر فاو بود می‌گفت: وقتی به چین رفتم فرماندهان نظامی چین می‌گفتند شما چطور فرماندهان اروند بگذرید. سردار قربانی گفت، من هر چه فکر کردم از لحاظ نظامی پاسخ دهم برای آنها قابل فهم نبود. گفتم ما چون شیعه بودیم توانستیم از اروند بگذریم. شیعه وقتی که عشق، علاقه، از خود گذشتگی را به عنوان فلسفه وجودی‌اش قرار می‌دهد می‌تواند چنین کاری انجام دهد.

در ابتدا فرماندهان آموزش مقدماتی غواصان و شیوه عبور از اروند را طراحی کردند و تعدادی غواص توانستند آزمایش عبور از اروند را انجام دهند. نهایتاً تیپ و لشکر ما یکی از واحدهای اصلی بود که باید از اروند عبور می‌کرد. ساعت ۱۰ونیم شب، ۲۰ یهمن سال ۶۴ رزمندگان وغواصان

فارس قرار دارد. جزر و مد اروند باعث می‌شود



جانباز علی‌رضا سجادی (راست)

وقتی از شهر فاو گذشتیم، چون سایت موشکی دشمن از آنجا شهرهای ما را هدف قرار می‌داد، ما موریت گردان ما این بود که این سایت موشکی را بز نسیم. با تحمل ساعت‌ها مقاومت

و به برکت خون شهدای گرانقدر، توانستیم به سایت موشکی دشمن برسیم. از در اصلی وارد سایت شدیم و شب و در داخل سایت خوابیدیم

سال ۱۳۶۰ وقتی ۱۸ساله بودم همزمان با عملیات ثامن‌الائمه(ع) و شکست حصر آبادان برای اولین بار به جبهه اعزام شدم. سه روز در پادگان گلف اهواز آموزش دیدیم. من تک تیرانداز بودم. وقتی وارد منطقه عملیاتی شدیم، به جاده ماهشهر – آبادان رفتیم. در آن مقطع قسمتی از این جاده به تصرف دشمن درآمده و سمت ماهشهر – آبادان دست ما بود

عبور از اروند را آغاز کردند. پس از آن نیروهای ما در قایق‌های آماده حرکت به آن طرف اروند زدند و خط دشمن را شکستند و به شهر فاو وارد شدند. خط اول دشمن شکسته شد و در خط دوم با عبور رزمندگان به وسیله قایق‌هایی که از قبل مهیا شده بود به دل دشمن زدند و شهر فاو را محاصره کردند.

چه خاطراتی از عملیات والفجر ۸ دارید؟

مرحوم‌مجید کریمی، فرمانده گردان سیف‌الله بود و من جانشین ایشان بودم. ما از شهر فاو گذشتیم و چون سایت موشکی دشمن از آنجا شهرهای ما را هدف قرار می‌داد، ما موریت گردان ما این بود که این سایت موشکی را بز نسیم. با تحمل ساعت‌ها مقاومت بدون آب و غذا و جنگیدن رزمندگان و به برکت خون شهدای گرانقدر، توانستیم در یک نبرد خونین به سایت موشکی دشمن برسیم. از در اصلی وارد سایت شدیم و شب را در داخل سایت خوابیدیم. صبح زود برای پاتک‌های دشمن که گفته می‌شد، شخص سدام آن را هدایت می‌کرد، وارد دریاچه نمک شدیم. از ورود تا خروج مان از منطقه عملیاتی والفجر ۸، ۱۰ تا ۱۲ روز طول کشید و رزمندگان توانستند در آفتد و پدافند موفق عمل کنند و برابر عملیات آفندی دشمن در منطقه، تک‌های جانانه‌ای به نمایش بگذارند. بعد از پس زدن پاتک‌های دشمن، نیروی مهندسی ما خاکریزهای پلکانی را به صورت پلکانی، از سه راه ام‌القصر تا دریاچه نمک طراحی کردند. هر کدام از این خاکریزهای پلکانی یک مسافتی داشتند. مثلاً یکی از آنها ۶۰متری‌شد. یک خاکریز دیگر پلکانی ۷۰متری می‌شد و... پلکانی بودن خاکریز یکی از عوامل موفقیت ما در پاسخ دهی به دشمن بود و توانستیم شهر فاو را تثبیت کنیم. عملیات والفجر ۸، با هدف قطع دریایی دشمن صورت گرفته بود. چراکه عراق از بندر فاو برای ارتباط با خلیج فارس استفاده می‌کرد. با تصرف فاو از سوی رزمندگان، در حقیقت ورود دشمن به آب‌های خلیج فارس قطع شده بود. هدف دوم عملیات والفجر ۸ این بود که از لحاظ سیاسی و نظامی به دنیا نشان دادیم قدر تمند و توانمند هستیم و می‌توانیم از اروند عبور کنیم و شهر فاو عراق را تصرف کنیم.

سخن پایانی.

دوست دارم بادی از شهدای شاخص والفجر ۸ کنم. در این عملیات شهیدی بود که او را شهید مطهری کوچک خطاب می‌کردیم. نامش عبد‌المحمدتقوی، اهل دهشت کهگیلویه‌وبویر‌احمد و از طلاب جوان و خوش فکر و باسواد بود. ایشان از شاخصه شهدای شاخص عملیات والفجر ۸ است. شهیدحسین رزمنده، شهیدسعید تقوی و شهید زکریا‌زاد فرماندهان به نام و شهیدنوذری از گردان سیف‌الله از دیگر دوستان شهیدم در والفجر ۸ هستند.

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۱۶۲

گفت‌وگو



شعب پیکر شهدای عملیات محرم در اصفهان

روایتی از شهادت دهها رزمنده در جریان عملیات محرم در گفت‌وگو با یک راوی دفاع مقدس

شهادت در امواج دوئیرج

■ **علیرضا محمدی**

عملیات محرم در حدود ۱۰روز، از دهم تا بیستم آبان ۱۳۶۱انجام شد. شب عملیات هوا نسبتاً سرد بود و تعدادی از رزمندگان باید از رودخانه فصلی دوئیرج، عبور می‌کردند. تا آن شب، رودخانه عمق کمی داشت، اما بارندگی شب قبل باعث شد این رودخانه دقیقاً در هنگام عبور رزمندگان طغیان کند. لذا در زمان عبور دو گردان امام محمدباقر(ع) و امام رضا(ع) از لشکر ۱۴، امواج آب، بسیاری از رزمندگان این دو گردان را با خود برد و به شهادت رساند. متنی که پیش رو دارید، روایتی از واقعه شهادت تعدادی از رزمندگان در رودخانه دوئیرج، در گفت‌وگو با صمد احمدی، از راویان دفاع مقدس است.

■ **شب اول عملیات**

موضوع شهادت تعدادی از رزمندگان اصفهانی در طغیان رودخانه دوئیرج به شب اول عملیات محرم برمی‌گردد. در آن شب که دهم آبان ۱۳۶۱ بود، گردان امام محمد باقر(ع) به همراه گردان امام رضا(ع) از لشکر ۱۴ امام‌حسین(ع)، بیشترین تلفات را دادند. در منطقه عملیاتی محرم، یعنی‌ها ارتفاعات شرفانی را در تصرف داشتند و از دوئیرج به عنوان یک مانع طبیعی استفاده

می‌کردند. در شناسایی عملیات، نیروهای اطلاعاتی بارها از عمق کم رودخانه عبور کرده بودند، حتی در شب و در ساعات اولیه، عمق رودخانه کم بود. اما به دلیل بارندگی که شب قبل صورت گرفته بود، آب از بالادست رودخانه کم‌کم جاری شد و زمانی که رزمندگان می‌خواستند از دوئیرج عبور کنند، آب رودخانه لحظه به لحظه بالاتر رفت. وقتی مسئولان گردان امام محمدباقر(ع) به قرارگاه اطلاع دادند که آب رودخانه بالا آمده است، کسی باورش نمی‌شد. چون از یک ماه قبل، آب این رودخانه نهایتاً تا زانوئ نیروهای شناسایی بالا می‌آمد. اما آن شب انگار که دوئیرج

در شناسایی عملیات محرم، نیروهای اطلاعاتی بارها از عمق کم رودخانه عبور کرده بودند، حتی در شب و در ساعات اولیه، عمق رودخانه کم بود. اما به دلیل بارندگی که شب قبل صورت گرفته بود، آب از بالادست رودخانه کم‌کم جاری شد و زمانی که رزمندگان می‌خواستند از دوئیرج عبور کنند، آب رودخانه لحظه به لحظه بالاتر رفت

		۵	۷	۲	
۷			۳		۶
۸	۱	۹			
		۷	۶		
			۴	۵	۲
۶	۴	۹			
		۱	۲		
	۶			۴	۹
	۷	۴			

۷	۱	۵	۶	۷	۸	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۵	۷	۸	۱	۶	۷	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳
۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳
۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

جدول سودوکو

ارقام ۹تا۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌سه‌درسه فقط یک‌بار به کارروند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۷۱۶۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴